

دانلود جزوه فلسفه تعلیم و تربیت با لینک مستقیم

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

بخشی از جزوه:

تربیت اخلاقی

تربیتی است که انسان آزاد تربیت دهد . عقل و خرد بر او حاکم است .

تفاوت نظر ارسطو لاک هر بات با کانت

تربیت تنش ساز عامل های بیرونی

کانت می گوید از عامل های درونی و اراده شخص تربیت اخلاقی باید بر بنیاد اصل باشد که پرورش فهم است .

اصل های کانت (1 تکلیف 2 قانون

تکلیف باید کودک واقف به تکلیف باشد و از روی عادت انجام ندهد .

چرا کانت اعتقاد دارد تربیت اخلاقی نباید بر اساس تشویق تنبیه باشد؟

چون اگر این کار را کنیم انضباط را انجام داده ایم و ارزش تربیت اخلاقی را پایین آورده ایم .

چه زمانی انسان موجود اخلاقی می گردد؟ و خرد او ایده های تکلیف و قانون را باز یابد چه زمانی انسان موجود اخلاقی می شود؟ زمانی که خرد او ایده های تکلیف و قانون را باز یابد

نظریه کانت درباره ی دین و دینداری

دین را باید در پیوند با اخلاق اسلامی و کمال معنوی انسانی نگریست و نه در آموزش هایی که بنیاد شان بر پدید آوردن احساس ترس یا امید به پاداش است .

راه حقیقی ستایش خدا همانا طبق اراده او عمل کردن است کانت تربیت کودکان را راهی می داند که باید به سوی مقصد تاریخ یعنی آگاه و آزادی پیموده شود .

پستا لوتسی

بنیاد اندیشه پستا لوتسی همان اندیشه روسو اصل تربیتی اوست باین تفاوت که او قصد چیزهایی را دارد که روسو از یکدیگر جدا کرده مانند تمدن ، طبیعت ،

آزادی ، اطاعت رستگاری جهان در یگانگی انسانیت و تمدن است و تمدن انسان به طبیعت اجتماعی است.

در انسان سه نیرو در کارند : (1 جسمانی (2 اجتماعی (3 اخلاقی

نخستین آنها از طبیعت حیوانی دومی هم آمیزی با دیگران و سومی از کوششهایی درونی که متوجه هنرهای اخلاقی است بر می خیزد .

تکیه اصلی او بر نیکی طبیعت انسان است و تربیت را تنها راه به کار آمدن این نیکی می داند و آن را کاری اجتماعی و نیز بهترین راه درمان درد های جامعه و تحول آن می شمارد.

پستا لوتسی بر آن بود که نیک بختی در محبت و نیک خواهی است و می گوید ذات تربیت نه در آموزش بلکه در صحبت است و آموزش و پرورش را الفبای سیاست خود می نامد . و آن را راه حقیقی تحول جامعه می شمارد

اصل بنیادی کار و اندیشه او همانا نیکی طبیعت انسان بود و از نظر او تربیت راهی بود که می توانست آدمی را به ارزش حقیقی خود آگاه کند .

انسان به خود به خود نیک است و می خواهد نیک باشد ولی می خواهد که این نیکی با نیک بختی همراه شود . از این رو تنها آن گاه به راه بد خواهد رفت که راه به سوی نیکی بر او بسته باشد . برترین مقصد آماده کردن انسان است برای کار آمدن توانایی هایی که آفریدگار به او بخشیده در راه تکامل انسانی و تربیت شکوفاندن توانایی های نهفته ی آدمی می داند و باید با پیروی از قانون هایی طبیعی رشد صورت گیرد و اولین کار مربی باید شناخت طبیعت انسان باشد و اعتقاد دارد که انسان تنها کتاب من است .

او می گوید نه کتاب ونه فن بلکه خود زندگی پایه تعلیم و تربیت است و هر آموزش نظری باید بانگش حسی یعنی تماس مستقیم حس و تجربی آغاز کرد . در آموزش به کودک اعتقاد دارد که هیچ مفهومی را نباید به کودک آموخت مگر آن که نخست نگرش حس از آن داشته باشد . تاکید در آموزش نظری و دریافت حس است .

در باره ي آموزش هاي دينی و اخلاقی بر این نظریه استوار است که آموزش ها بر پایه عملی و زندگانی عملی استوار گردد . كودك ابتدا محبت را در خانه در ارتباط با مادر دریابد تا بتواند آن را به دیگران گسترش دهد .

انسان آنگاه خدا را می شناسد که خود را بشناسد و وقتی خود را بزرگ می شمارد که خود را بزرگ بداند و برای آموزش دین باید با کردار عمل کرد .

و بر آن بود که راه آسمان همان پیمودن راه خود در زمین است بر حسب وظیفه و بر این استوار است که بی عشق انسان بی خداست و اگر عشق به خدا نباشد انسان چيست .

هرپارت :

او از سوي روان روانشناسی نو و از سوي ديگر از بنیان گذاران روش علمی آموزش و پرورش است او می گوید که طبیعت روان، پاک ناشناخته است چون هم از دسترس روانشناسی عقلانی بیرون است و هم از دسترس روانشناسی تجربی . از اندیشه های هربارت تکیه و پیوند میان دیده ها و حالت های گوناگون روانی است .

او می گوید آموزش محتوای ذهن را می سازد و تربیت منش را اگر اولی نباشد دومی هم نخواهد بود و این را اصل آموزش و پرورش می داند .

ایشان کوشید تا آموزش و پرورش را بر بنیاد روان شناسی استوار کند هربارت فهمیدن را به هم پیوستن تصویر های تازه به تصویره ای ادراک شده قبلی می داند هربارت تاکید بر آموزش از روی برنامه دارد و هم به آموزش از روی طرح از پیش معین با گام های مشخص .